

مجموعه سه جلدی گشایش های شطرنج امکان بحث گروهی بر سر گشایش ها را فراهم می نماید. اصول عام و خاص هر گشایشی در دو بخش متفاوت تشریح و به صورت مسئله تمرین می شوند. بحث و مناظره درباره خطاهای گشایشی در بازی های متعدد هر فصل رخ می دهد و پیدا کردن ماهیت مجرد آن اشتباهات به کمک مربی که در نهایت به یکی از دو اصل ملاحظات عام و خاص مربوط است، راهی نو در آموزش و فهم گشایش ها می گشاید.

هر آغازی دشوار است! در همه رشته های علوم و زندگی چنین است. اما برای یک ناظر سطحی مرحله آغاز بازی در شطرنج دشواری ندارد و مسائل آن حل است، کافی است وقت مطالعه پیدا کنید. آخرین واریانت هر گشایشی را در بانک های اطلاعاتی و کتب شروع بازی می توان یافت. مطالعه کنید و یاد بگیرید!

گشایش ها را با خواندن کتاب یاد می گیرند!! این برداشت نادرست به خاطر آن است که شطرنج را با مطالعات تاریخی اشتباه می گیرند و از این راه می خواهند درس بیاموزند. شطرنج انبوهی از اطلاعات نیست که جمع آوری گردد و نقش معلومات در آن به اندازه شخصیت بازیکن و قدرت در تصمیم گیری برجسته نیست.

شطرنج مجموعه دانش نیست، توانایی در مشاهده و خردورزی است. بنابراین شطرنج یک فعالیت است و مانند هر فعالیت دیگری به مهارت نیاز دارد. اما چه نوع مهارتی نیاز است؟ در یک کلام توانایی الگوشناسی و یا شناسایی الگوی نمونه.

الگوی نمونه چیست؟ شیوه ای است برای نگرستن به پوزیسیونها، که بر قواعد و ارزش های تفسیر شده آن مبتنی است. درک ساختار کلی پوزیسیون و نه تمرکز بر اجزاء آن و سپس یافتن ایده های مختلف تاکتیکی و پوزیسیونی از منابع الگوی نمونه است. الگوهای نمونه برای بازیکن شطرنج شبیه قضایای ریاضی برای ریاضی دان است و به همان گونه که ریاضی دانها به مسائل ریاضی با توجه به قضایای ریاضی می نگرند و فرآیند راه حل مسئله با استفاده از قضایا ممکن می شود، در شطرنج هم الگوشناسی و استفاده به موقع از آن درست ترین و سریع ترین راه پیروزی است. روند کاربرد یک قضیه ریاضی در حل یک مسئله و قیاس آن با طرح تصاحب یک خانه استراتژیک Outpost در یک پوزیسیون نشان می دهد که پروسه حل مسئله و یا رسیدن به برتری پوزیسیونی نتیجه محاسبه و درگیری ذهنی خود به خودی با مفروضات مسئله و پوزیسیون نیست. به همان گونه که توانایی شنیدن باعث نمی شود که هرکسی یک قطعه موسیقی بسازد! این یک اشتباه است که تصور شود آنکه بازی را می برد حرکات بیشتری محاسبه می کند. می گویند یکبار از کاپابلانکا پرسیدند که شما چند حرکت را از قبل می توانید پیش بینی کنید و پاسخ حیرت انگیز این بود که تنها یک حرکت، بهترین حرکت را.

بررسی و مطالعه بازی های استادان شطرنج آزمایش خوبی است که نقش الگوهای نمونه و محاسبه حرکات را در هر بازی مشخص می سازد. محققان خاطر نشان می کنند تفاوت بین شطرنج باز های استاد و معمولی فقط در اطلاعات و حافظه نیست بلکه در چگونگی استفاده از اطلاعات نیز هست. آنان می گویند که سازمان بندی «دانش و اطلاعات» در افراد استاد متفاوت از افراد معمولی است و در نتیجه آنها قادر می شوند اطلاعات جدید را به نحو کارآمدتری رمزگردانی کنند.

هر آغازی دشوار است! به این دلیل که باید بسیار مراقب بود که موضوع آموزش -گشایش ها- کاملاً در ارتباط با سطح دانش بازیکن باشد و یا به زبان ریاضی «هر مسئله را قبل از اثبات مسلم فرض نکنیم»!

الکسی سوئتین با حساسیت بسیار در این مورد می نویسد: «مسائل آموزشی تئوری گشایش بسیار پیچیده اند زیرا به سطح بازی شطرنج باز ربط دارند. بسته به این که بازیکن در چه رتبه ای قرار دارد آموزگار باید از یک سو در نظر گیرد که چه میزان شناخت از تئوری گشایش برای بازیکن ضروری است و از سوی دیگر چه روشی را برای آموزش در پیش گیرد. تعیین معیاری که مشخص کننده نیاز آموزشی بازیکنان در رتبه های مختلف باشد کاری به ویژه مشکل و نسبی است».

این نکات و محدودیت ها ، نگارنده را که در صدد تدوین کتاب شروع بازی برای کودکان بود مدت ها به چاره جویی و فکر فرو برد تا اینکه کتاب «گشایش های شطرنج برای کودکان اثر جان واتسون و گراهام برجس» منتشر شد. به زودی به نسخه اصلی آن دست یافتم. پس

از واریسی و بررسی سبک و سیاق مطالب آن که تاحدودی به کتاب Undrestanding The Chess Opening اثر سام کالینس شباهت داشت. متوجه شدم که به سختی می توان به رابطه این کتاب و چگونگی آموزش آن به کودکان پی برد. کتاب به روشنی از سطح دانش کودکان فراتر بود و این نه به دلیل زبان نوشتاری و میزان شناخت از تئوری گشایش ها برای کودکان بود - دو موردی که می توان به حساب نقاط قوت کتاب برشمرد- که به دلیل روش و شیوه آموزش گشایش ها در سطحی بالاتر بود و به اصطلاح «مسئله را قبل از اثبات مسلم می گرفت»!

هنوز زمانی نمی گذشت که چشمم به ترجمه فارسی کتاب افتاد. در پیش گفتار مترجم در این کتاب این جمله قابل تعمق است : «کتابی که در دست دارید تحت عنوان گشایش های شطرنج برای کودکان در سال ۲۰۱۱ منتشر شده است. البته نویسندگان توضیح داده اند که این کتاب برای هر سن و سال و قابلیتی مناسب است و به همین دلیل در ترجمه فارسی نام گشایش های شطرنج به زبان ساده برای آن برگزیده شد». تغییر نام کتاب تفاوت کیفی نثر آن را از سایر کتاب های شطرنج نشان نمی دهد. اما معلوم نیست چرا مترجمی توانا و پژوهشگری محترم از قول جان واتسن و گراهام برجس آن «توضیح» را می دهد. ما در هیچ جای کتاب چنین توضیحی نیافتیم. اگر کتابی در موضوع شروع بازی برای هر سن و سال و قابلیتی مناسب است بدون تردید آن کتاب برای «هر سن و سال و قابلیتی مناسب» نیست. شک نکنید!

هر آغازی دشوار است! اگر در آغاز نتوان متد و روش آموزش گشایش ها را بیان کر.

بنابراین طرح تفصیلی ما برای آموزش گشایش ها چنین است که :

کتاب «گشایش های شطرنج برای کودکان» اثر جان واتسون و گراهام برجس به عنوان مرجع اصلی و اسکلت کتاب حاضر است و استفاده از منابع تکمیلی دیگر که منطبق با آن است به واقع این اسکلت را با گوشت و پوست می پوشاند. بدیهی است که حاصل به دست آمده از کلیه متون کتابی با واسطه - مربی - برای کودکان و نوآموزان در سن بالاتر است. با این فرض که کتابهای «درک مسائل بنیادی - پایه ۲» و «آموزش شطرنج با مسئله - گام ۳» را خوانده و مسائل آن را حل کرده باشند. میزانی از دانش عمومی شطرنج مبنای آموزش گشایش هاست.

به هنگام آموزش گشایش ها به نوآموزان استاد بزرگ یودوویچ می گوید: «چیزی که به تمرینات گشایش ها مربوط می شود آن است که تجربه نشان داده بهترین شروع برای آموزش گشایش های باز هستند. در این بخش از تئوری مفاهیم مهمی از نوع چگونگی گسترش مهره ها، نیروهای متقابل مرکز، زمان، مکان با عبارات بسیار روشن گنجانده شده است». الکسی سوئتین به گفته ریچارد رتی استاد می کند و می گوید : «او به نوآموزان هشدار می داد که از آموختن یکباره نظام های گشایشی استراتژیک بپرهیزید و به آنها توصیه می کرد که به بازیهای باز و امکانات فراوانی که برای بازی با سوارها دارند مسلط شوند».

بدین ترتیب جلد اول «گشایش های شطرنج برای کودکان» به گشایش های باز اختصاص دارد. سعی بلیغ ما بر این بوده که محتوای آموزش و متد آن با عقاید نظریه پرداز بزرگ شطرنج استاد بزرگ الکسی سوئتین هماهنگ گردد بطوری که تلاش برای تطبیق «نظریه ارائه شده» و «کار انجام شده» در کتاب را می توان گام به گام تماشا کرد.

سوئتین در کتاب «تئوری مدرن گشایش شطرنج» در مبحث چگونگی آموزش تئوری گشایش می نویسد نوآموز باید :

۱- نکاتی را درباره گشایش های اصلی بداند. این امر شکل های متنوعی را که ممکن است نبرد گشایشی به خود بگیرد برای بازیکن آشکار می کند و افق فکری او را وسعت می بخشد.

«در هر بخش ایده های مشخص حرکات اولیه تفسیر شده و به درک ایده اصلی گشایش کمک می شود».

2- بر اصول گشایش مسلط شود. این امر به او می آموزد تا خود بیندیشد و به او کمک خواهد کرد تا از میان سیستم های گشایشی راه خود را بیابد.

«تسلط بر اصول گشایش با تمرینات سه گزینه ای قبل از پرداختن به هر گشایشی تمرین می شود».

3- در اوایل پیشرفت بازیکن برای او بهتر است که در آموزش های گروهی که قاعده‌تاً مشکل بحث و مناظره دارند شرکت جوید، مربی باید خطاهای شاخص گشایشی مبتدیان را خاطر نشان سازد و نشان دهد که چگونه می توان از آنها اجتناب کرد. او باید تلاش کند تا افق دید بازیکنان را وسعت دهد. مثلاً در این مرحله تحلیل بازی های اندرسن، مورفی و چیگورین بسیار مفید است..

«تحلیل این بازی ها بدین نحو است که اشتباهات گشایشی مورد سوال قرار گیرند و یا چگونه این بازی ها به صورت آموزشی و نه آنچه در بازی رخ داده می تواند ادامه یابد، در هر گشایشی دیده می شود و مربی به آسانی می تواند بر سر اصلاح اشتباهات و جاهای خالی در متن بازی در کلاس پرسش و بحث گروهی نماید».

ما متدلوژی آموزش گشایش ها را در این کتاب مرحله به مرحله بیان کردیم ولی این روش در کلیت خود ضروری است که بحث و بررسی شود.

### 1- عام بودن گشایش

اصول کلی و یا عام بودن گشایش مبنای فهم گشایش هاست. اصولاً فهمیدن یعنی تعمیم. قراردادن موارد خاص در قالب های عام و یا مربوط ساختن قضایای جزئی با قضایای کلی. وقتی تشخیص می دهیم که یک موقعیت خاص ظاهراً گیج کننده صرفاً مورد خاصی از چیز عام تر است ذهن ما کمتر مغشوش می شود. تلخیص پدیده های رنگارنگ متنوع در یک اصل ساده و کلی و یا تحویل «چند به یک» دقیقاً همان چیزی است که ما به آن فهمیدن می گوئیم. مثلاً واژه میوه عام است و شما به طور کلی میوه نمی خورید، بلکه تنها با نمونه های خاص آن سیب، انار، پرتقال و ... سر و کار دارید. حال اگر بخواهید توضیح دهید کام کوات Kumquat چیست؟ کافی است بگوئید نوعی میوه است. نخوردن «میوه» مانع ضرورت استفاده از آن نمی شود و به خوبی مجهول را معلوم می سازد و توضیح می دهد. برای شناختن کام کوات ما خاص را به عام مربوط ساختیم.

عام بودن گشایش یعنی بینشی از شروع بازی که در طول قرن ها به محک آزمایش و تجربه سنجیده شده عامل ارزیابی شود. این بینش نمی تواند شناختی از یک گشایش خاص را به دست دهد. اما وسایلی (ابزار کار فکری) را در اختیارمان می گذارد که با آن بتوانیم یک گشایش خاص را بفهمیم و از آن سر درآوریم.

نبرد قانون اساسی بازی شطرنج است، بنابراین محتوی حرکات نخستین بازی و یا گشایش ها بسیج هرچه سریع تر نیروهاست و هرچه سوارها بیشتر فعال باشند امکانات حمله بیشتر خواهد بود.

الکسی سوئتین می نویسد :

اصول اساسی مرحله گشایش بازی را می توان به شرح زیر خلاصه نمود :

۱- نبرد برای در اختیار گرفتن مرکز

۲- گسترش سریع و هدفمند سوارها در جهت پوزیسیون های فعال در دور کردن شاه از تیررس مرکز از طریق قلعه رفتن

۳- ایجاد یک ساختار پیاده ای بی کم و کاست

۴- ایجاد هماهنگی بین سوارها و پیاده ها

در میان این چهار اصل گشایشی تسلط بر مرکز و حاکم بودن بر مرکز در درجه اول اهمیت و اصول گشایشی قرار دارد. به مرکز هر گشایشی نگاه کنید وضعیت پیاده های مرکزی و نسبت جای هر سوار گسترش یافته با مرکز به فهم بیشتر گشایش کمک می کند به قول ایساک لیپ نیتسکی در Questions of Modern Chess Theory امروزه این یک باور همگانی است که ساختار مرکز روح هر گشایشی است.

روبن فاین ارزیابی از هر حرکت گشایشی را وابسته به پاسخ این دو سؤال اساسی می داند : ۱- چگونه بر مرکز اثرگذار است؟ و ۲- چگونه با سوارها و پیاده ها هماهنگ است؟ و ایساک لیپ نیتسکی به دو دلیل مرکز صفحه را مهم ترین مکان نبرد می خواند : ۱- سوارها (به جز رخ) در مرکز بیشترین ارزش جنگیدن را دارند و ۲- سوارها در مرکز با کمترین حرکات به هر جناح می روند. گسترش سریع و هدفمند سوارها مستلزم این است که : ۱- یک سوار را دوبار حرکت ندهیم مگر آنکه قابل توجیه باشد، ۲- گسترش مهره ها را مانع نشویم، ۳- گسترش را با تهدید توأم سازیم، ۴- گسترش را با گرفتن تمپو ادامه دهیم، ۵- حرکات محتاطانه ندهیم و با پیشگیری بی مورد وقت تلف نکنیم، ۶- وزیر را زود هنگام به بازی نیاوریم، ۷- با پیاده کمتر بازی کنیم و از شکار پیاده ها به هزینه عقب ماندگی در گسترش شدیداً خودداری کنیم، ۸- شیفته حملات نابهنگام نشویم (اصولاً حمله بی موقع آینده ای ندارد)، ۹- و بالاخره به خاطر عنصر رقابت در نبرد دست حریف را از مرکز و هر امکان گسترشی کوتاه کنیم.

میخائیل یودوویچ در مقاله تاریخ و تئوری شروع می نویسد : اقتباس آگاهانه درک اصول کلی شروع که در محتوای گشایش های خاص یافت می شوند آن چیزهایی هستند که هر شطرنج باز آرزومند رشد خود، آنها را لازم دارد. برای کار کردن در عرصه شروع بسیار ثمربخش خواهد بود، که دقت شود کدام اصول کلی شروع در واریانت هایی که مورد بررسی قرار می گیرد بازتاب یافته است. ما باید بتوانیم در هر شروع بازی اصول کلی گشایش را پیدا کنیم. برای نوآموزان جستجوی این اصول از جالب ترین مسائل آموزشی است. بخش اول تمرینات کتاب حاضر به یافتن این حرکات اختصاص دارد.

## 2- خاص بودن گشایش

هرچند اصول اساسی گشایش همانند یک قطب نمای دقیق راهنمای مسیر ماست ولی لازم الاجرا نیستند نبرد گشایشی بسیار پیچیده است و نمی توان آن را یکسره تابع اصول کلی دانست. به طوری که بازیکن از آغاز مرحله گشایش بازی و ادامه آن باید به گونه ای مشخص بیانپذیرد. لذا عام بودن گشایش تنها به صورت خاص بودن گشایش وجود دارد و با گشایشی که صرفاً با اصول کلی گشایش مشخص می شود ابدأ مواجه نیستیم. در هیچ گشایشی حرکات آن فارغ از وضعیت معین بازی نیست و بازی براساس اصول کلی گشایش پیش نمی رود. قواعد گشایشی متفاوت از قواعد آشنایی است و وابسته به شرایط بازی اند. خاص بودن گشایش که انواع گوناگون گشایش ها را شامل می شود به نظر الکسی سوئتین حاصل «بررسی همه جانبه ویژگی های خاص هر پوزیسیون است. خواه ویژگی هایی که به ساختار ظاهری یک پوزیسیون بستگی دارند و خواه آنهایی که از دیده پنهانند. هدف اصلی از چنین رویکردی یافتن مؤثرترین طرح منطبق با نیازهای پوزیسیون است. هدف از انجام هرکدام از حرکت ها که بخشی از طرح اصلی را تشکیل می دهد باید حل مسائل فوری پیش آمده در پوزیسیونی معین باشد. راه حل از طریق تحلیل مشخص واریانت های گوناگون و مقایسه آنها با یکدیگر به دست می آید».

همه گشایش هایی که به نام می شناسیم کم و بیش حل المسائل کاربرد اصول کلی گشایش در جریان عمل و مواجه شدن آن اصول با واقعیت های بازی است. در نبرد گشایشی هیچ اصلی جان سالم بدر نمی برد و همچنان معتبر باقی نمی ماند. اصول بر بازی اعمال نمی شوند، در بازی تشریح می شوند و تا جایی معتبرند که با وضعیت بازی در تطابق باشند.

بنابراین اگر کسی به شیوه ی قالبی به گسترش مهره های خود بپردازد و تنها اصول عام گشایشی را مدنظر قرار دهد به سرعت بازی را از دست می دهد.

## 3- رابطه عام و خاص در گشایش ها

اصول عام در همه گشایش های خاص وجود دارد و پایه تفسیر ما از شروع بازی به شمار می آیند ولی دقت و توجه خاص به ویژگی ها و تفاوت گشایش های مختلف به این دلیل است که تمامی گشایش ها بدون استثناء دارای مشخصات و خصلت های ویژه خود هستند و

ما باید برای شناخت آنها یک تحلیل مشخص از شرایط مشخص انجام دهیم. سبزی یک مفهوم کلی و عام است. کلمه و اسفناج مفاهیم خاصی می‌باشند، مفهوم عام سبزی در درون مفاهیم خاص اسفناج و کلمه موجود است. هیچ شخصی تاکنون سبزی مجرد (تنها) نخورده است و به همین سیاق گشایشی با حرکات عام گشایشی وجود ندارد. میخائیل مادوویچ می‌نویسد: «لازم است خوانندگان را از تحسین کورکورانه اصول کلی از یک طرف و تحسین انبوه واریانت‌های دیگر از طرف دیگر بر حذر داریم. اصول کلی مفهوم خود را از عوامل زیادی کسب می‌کنند به عنوان قاعده آنها را باید باور کرد اما قاعده هم استثناء دارد و ممکن است این اصول کلی در حالت‌های خاص کاربرد نداشته باشند. بارها درباره اینکه تاچه حد گسترش سریع یا سامان دهی پیاده‌های مرکزی از اهمیت زیاد برخوردارند سخن گفته ایم. اما فرض کنید در بازی ای که جنبه تجربی دارد چنین وضعیتی را پیش روی شما قرار دهند که: گسترش سریع مهره‌ها امکان‌پذیر است اما فقط با کمی موفقیت پوزیسیونی و به دور از مرکز. آیا چنین گسترش سریعی مقرون به صرفه است؟ یا چنین سوالی مطرح می‌شود: دفاع از مرکز، بسیار مشکل است. آیا باید در فکر تصرف چنین مرکزی بود؟

وکوتوف درباره رابطه عام و خاص در گشایش‌ها در کتاب میراث شطرنجی آلتین می‌نویسد: «آلتین و چیگورین با گزینه نبوغ آسای خود، شیوه صحیح ارزیابی و تعیین ویژگی‌های پدیده‌های شطرنجی را یافته بودند. آنان اهمیت اصول و قواعد کلی بازی شطرنج را که به وسیله اشتاینیتس مدون و در عمل آزموده شده بود انکار نمی‌کردند. آلتین بارها بر این نکته تأکید ورزید که هنگام تصمیم‌گیری در هر وضعیت موجود نباید از قواعد کلی شطرنج غافل شد. او در تفسیر یکی از بازی‌ها که در آن در مرحله گشایش یک مهره چند بار حرکت داده شده بود چنین نوشت: «نادیده گرفتن عمده اصل قدیمی (که برخلاف پندار برخی از استادان فوق‌امروزی، هنوز ارزش خود را از دست نداده است) مبنی بر آنکه در گشایش نباید یک مهره را چند بار حرکت داد» و در جایی دیگر اظهار می‌کند: این همه حرکت پیاپی با پیاده در گشایش اطمینان بخش نیست و قدری مخاطره‌آمیز می‌نماید. سپس کوتوف اضافه می‌نماید: این نقش فرعی و ثانوی اصول که باید تحت کنترل شطرنج باز باشند و نه شطرنج باز تحت کنترل آنها) و تصمیم‌گیری آمیخته با نقد و خلاقیت، برپایه تحلیل جداگانه هر وضعیت خاص مهم‌ترین اصل خلاقه در تعالیم آلتین و چیگورین شمرده می‌شود.» و حاصل کلام الکسی سوتنن از رابطه عام و خاص در گشایش‌ها چنین است:

«در هر حرکت گسترشی نه تنها باید ملاحظات عام گوناگون بلکه مهم‌تر تحلیل‌های مشخص طولانی را نیز در نظر گرفت. این موقعیت شاخص بسیاری از سیستم‌های جدید گشایشی است.»

و اما برای جان واتسون عام بودن گشایش‌ها و اصولاً ملاحظات عام به شطرنج مدرن مربوط نمی‌شود. در این حوزه فقط خاص وجود دارد! و اساساً مرز بین شطرنج مدرن و کلاسیک با این گسستگی مشخص می‌شود. مسامحه نسبت به عام و مبالغه به خاص (انبوه ایده‌های مختلف) در جای جای کتاب «رموز استراتژی در شطرنج مدرن» دیده می‌شود. این کتاب مملو از نکات ارزنده و قابل تعمق است ولی از این گونه نظرات هم نمی‌توان و نباید چشم پوشید.

«درباره هر قاعده ای در شطرنج می‌توان گفت که تجربه مشخص هر بازیکن به او درکی دقیق‌تر و ظریف‌تر از کاربرد آن قاعده می‌بخشد». تأکید از ماست! (صفحه ۲۷)

و یا اینکه:

«اگر با نوع پوزیسیون مربوطه آشنایی کافی دارید پس به قاعده ای محتاج نیستید اگر آشنایی کافی ندارید در این صورت قضاوت خود شما (براساس موقعیت مشخص که مقابلتان است) قابل اعتمادتر و دقیق‌تر خواهد بود از هر قاعده ای که بخواهید به کار ببندید.»

(صفحه ۳۹۰) چه با پوزیسیون مربوطه آشنا باشید و یا نباشید فرقی نمی‌کند! به عبارت ساده‌تر شما باید با آزمون و خطا پیش بروید و دیگر هیچ!! فهم و درک پوزیسیونی بلاواسطه است!!

این اندرزه‌ها را اگر کسانی جدی بگیرند و در بین آنان نوابغی هم باشند شاید پس از چند دهه یکی از آنان موفق شود دوباره کتابی شبیه کتاب «روش من» بنویسد!

میخائیل سووۀ تلف شاعر معروف و معاصر شوروی سخنی در این باره دارد : کسی که چرتکه می سازد خبر ندارد که مدت هاست کامپیوترها وجود دارند.